

نگاهی به ویژگی های مدیران از دیدگاه اسلام

بهزاد کاظمی

چکیده

بی تردید اسلام، دینی کامل و در بردارنده تمامی قوانین و لوازم سعادت بشری بوده و قرآن کریم به عنوان نقشه راه این دین در جهت سعادت بشر بر پیامبر نازل شده است. از جمله مهمترین عوامل تأثیر گذار بر هر جامعه، رهبر و مدیر آن و کیفیت اداره جامعه از طرف وی است. در قرآن مجید نیز به خاطر اهمیت موضوع مدیریت، از رهبر و مدیر بسیار صحبت به میان آمده و در این راستا از دو نوع مدیریت و رهبری یاد شده است:

رهبر خیر که به نیکی و سعادت هدایت می کند: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) و رهبر شر که پیروان خود را به گمراهی و نابودی می کشاند: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ)

این مقاله به بررسی ویژگی های مدیران از دیدگاه اسلام در دو بخش ایجابی و سلبی پرداخته است.

کلید واژه ها: مدیریت، مدیریت در اسلام، ویژگی های ایجابی و سلبی مدیران.

مقدمه

در علم مدیریت با توجه به آن که بحث روابط انسانی از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌رود، طبعاً دین مبین اسلام که از مباحث عمده آن تنظیم روابط انسانهاست، بهترین مطالب و مسائل را بیان داشته است. از این رو لازم است بحث مدیریت اسلامی را به شکلی جدی مورد دقت قرار دهیم.

پیامبران الهی و در پیشاپیش آنان پیامبر اسلام تنظیم روابط اجتماعی پیروان خود را از اهم مسائل معرفی می‌کنند تا آنجا که پیامبر اسلام می‌فرمایند: "من برای تمام نمودن مکارم اخلاق مبعوث شدم"

از آنجا که روابط اجتماعی از شاخص‌ترین تجلیگاه مسائل اخلاقی است و پیامبر اسلام (ص) هم برای اتمام این امر مهم مبعوث گردیده است در منابع اسلامی درباره‌ی روابط انسانها و موضوعات مربوط به مدیریت، مطالب و دستورات بسیاری وجود دارد. و از سوی دیگر بخش عظیمی از مسائل مدیریت هم مربوط به چگونگی روابط مدیران با فرادستان، زیردستان و نوع استفاده از نیروی آنهاست، بنابراین نقطه اساسی تلاقی مباحث مدیریت و اسلام را می‌توان همان چگونگی روابط صحیح انسانها با یکدیگر دانست.

اگر به آیات قرآن و روایات توجه شود مطالب بسیار زیادی در مورد چگونگی اداره‌ی جامعه، چگونگی برخورد و رفتار مدیران به چشم می‌خورد که نامه‌های "نهج البلاغه" در اوج این مباحث می‌درخشد.

مفهوم مدیریت

صاحب نظران و نویسندگان و دانشمندان علم مدیریت با نگرش‌ها، اهداف و جهت‌گیری‌های مختلفی که داشته‌اند هر کدام تعریف خاص خود را ارائه کرده و چه بسا در این زمینه با توجه به نوع نگرش آنها با تعریف‌های مختلف و حتی متفاوتی روبرو هستیم.

استونر مدیریت را فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل کوشش‌های اعضای سازمان و استفاده از تمام منابع سازمان برای دستیابی به اهداف معین سازمانی معرفی می‌نماید. (زهرای پایدار، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲)

علی علاقه‌بند در تعریفی می‌گوید: «مدیریت فعالیتی است منظم در جهت تحقق اهداف معین که از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد». (علاقه‌بند، ۱۳۷۱ش، ص ۱۵)

مدیریت اسلامی

صفت اسلامی برای علم مدیریت بدین معناست که مسائل مدیریت با روش دینی یعنی با استفاده از آیات الهی و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و نظرانی که از متون دینی در زمینه مسائل متفاوت علمی بدست می‌آید جواب‌هایی به سؤالات این علوم از طریق دین است و مجموعه منظم و منسجمی از این جواب‌ها را می‌توان علمی خاص با صفت دینی به حساب آورد. (محمود رضا توکلی محمدی و رحمان نیکنام - ۱۳۹۰)

ضرورت و اهمیت مدیریت در اسلام

برای نشان دادن اهمیت رهبری و مدیریت در اسلام به ترتیب برخی از آیات و روایات را بر اساس مضمون و محتوای آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(قَالَ مُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) (نازعات / آیه ۵) «پس سوگند به تدبیر کنندگان کارها، خداوند در این آیه به فرشتگانی که مأمور تدبیر کارها هستند قسم یاد می‌کند که این آیه بیانگر اهمیت تدبیر و اداره‌ی کارهاست.

انواع رهبری و مدیریت از دیدگاه قرآن

قرآن عوامل مختلفی را برای سعادت و خوشبختی بشر بیان می‌کند که از جمله مهمترین آنها رهبری و مدیریت جامعه است. خداوند بیان می‌کند که هم هدایت و هدایت‌گری و هم گمراهی و عدم هدایت بوسیله رهبر معنا پیدا می‌کند. پیامبران الهی به عنوان انسان کامل و رهبر هدایت‌گر از طرف خداوند برای هدایت انسانها مبعوث می‌شدند. از طرف دیگر فرمانروایان و حاکمان ظالم به عنوان رهبران گمراهی و مخالفان حق و حقیقت معرفی شده‌اند. در قرآن کریم به مبحث رهبری و مدیریت جامعه در دو بعد الهی و طاغوتی آن بسیار اشاره شده که از جمله آنها در آیات زیر کلمه امام برای رهبران و امامان الهی و کسانی که پیروان خود را به سمت سعادت و خوشبختی راهنمایی می‌کنند به کار رفته است:

(وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا) (انبیاء / آیه ۷۳)

«ما آنها را پیشوایان هدایت‌گر به امر خودمان قرار دادیم.»

(و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

(قصص / آیه ۵)

(و می خواهیم بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنها را رهبران و وارثان قرار

دهیم.)

این در حالی است که در آیات زیر کلمه امام برای رهبران گمراهی و کسانی که

پیروان خود را به سوی جهنم می کشانند به کار برده شده:

(وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ) (قصص / آیه ۴۱)

(و ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که پیروان خود را به سوی آتش فرا می خوانند.)

(فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ) (توبه / آیه ۱۲)

(پس پیشوایان کفر را بکشید که آنها ایمان ندارند، شاید از اعمال زشت خود دست

بکشند.)

روایت پیامبر اسلام (ص) که فرموده‌اند: « من از فقر ائمه نمی ترسم بلکه سوء تدبیر

ائمه مرا بیمناک می کند » نیز از دلایل اهمیت به سزای مدیریت در اسلام به شمار

می آید.

چنانکه امروزه دانشمندان و صاحب نظران مدیریت عنوان می کنند که دیگر نفت،

گاز، معدن و منابع طبیعی و مهمترین عامل توسعه پایدار محسوب نمی شوند، بلکه عوامل

اصلی توسعه یک کشور عبارتند از: ۶۴٪ منابع انسانی، ۲۵٪ منابع طبیعی، ۱۱٪ عوامل

فیزیکی مثل تجهیزات. در میان منابع انسانی نیز سبک مدیریتی و هنر اداره منابع مادی و

معنوی از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال برخی صاحب نظران بزرگ دنیا

اهمیت نیروی انسانی مدیر و مدبر را در توسعه جوامع امروزی امری ضروری قلمداد کرده و توجه به منابع انسانی و تربیت نیروهای متخصص و متعهد و آشنایی به فنون مدیریتی را از بایسته‌های تقویت دولت، توسعه و پیشرفت حاکمیت می‌دانند.

آنچه که دانش بشری امروزه با صرف هزینه‌های سنگین به آن رسیده است، معصومین ما علیهم السلام ۱۴۰۰ سال پیش گفته‌اند، ولی چون آن زمان مردم اطلاعات علمی کمتری داشتند، به صورت خلاصه بیان شده است. (محمود رضا توکلی محمدی و رحمان نیک‌نام - ۱۳۹۰)

وجه تمایز مدیریت اسلامی از دیگر نظام‌ها

از آنجا که هدف مدیریت اسلامی هدایت و رشد انسان‌ها است، مدیر اسلامی به فراخور افراد سازمان خویش، پیوسته در پی آن است که همگام با پیشرفت مادی مؤسسه و فراهم شدن امکانات مادی برای کارکنان، به رشد و تعالی معنوی افراد سازمان نیز بیندیشد.

در نظام مدیریت اسلامی، انسان مسئول اعمال خویش است، در حالی که در نظام‌های دیگر، مدیریت مانند حربه‌ای تلقی می‌شود که به انسان قدرت می‌دهد تا در عرصه تمایلات شخصی خویش کوشش نماید و به اهداف شخصی و سازمانی خود دست یابد.

در مدیریت اسلامی، بیشترین اهمیت به مهارت ارتباط با خدا داده می‌شود که "تقوا" نامیده می‌شود. حتی ارزش و مقام هر کس با تقوا ارزیابی می‌گردد و با ارزش‌ترین افراد با تقواترین آن‌ها شمرده می‌شوند، اگر مدیر، مهارت ارتباط با خدا را

داشته باشد خروج از مشکلات برای وی آسان و سهل شده و بهتر می‌تواند از مشکلات رهایی یابد. (آمنه ثابت نیا - ۱۳۸۹)

امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند: تقوا برای همه کس لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازم‌تر. [صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹]

انسان در آینه ارتباط، هم نیازمند رابطه با خداست و هم خلق خدا. مدیران نیز در هرم سازمان اسلامی نیاز به هر دو مهارت دارند. شک نیست که مدیر با داشتن مهارت دوم در پرتو ارتباط با خداست که می‌تواند استعدادها و منابع انسانی را جذب کرده و موجب حلّ معضلات اجتماعی گردد.

سیره رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) در زمان تصدی ایشان بر امت اسلامی، برای مدیران، الگویی پر بار می‌باشد و نیز در نهج البلاغه، امام متقین در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر نخعی [نهج البلاغه، نامه ۵۳] اصول مدیریت اسلامی را گوشزد نموده که اگر به اساس تفکرات مدیریتی در عصر حاضر به نامه امام (ع) نگاهی بیندازیم می‌توان آنرا به حق، جامع‌ترین منشور برای سیاست و مدیریت و ترسیم اصول اساسی و ویژگی‌های مدیریت اسلامی دانست که در اینجا به پاره‌ای از این موارد می‌پردازیم.

ویژگی‌های مدیریت اسلامی در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر

در فرمان مالک اشتر دستورات بسیاری ذکر شده است که بعضی از آنها را در دو

بخش ایجابی و سلبی بیان می‌کنیم:

الف) ویژگیهای ایجابی و مناسب که در شأن و منزلت یک مدیر اسلامی، ضروری است

۱) مدیر خود را بنده خدا دانسته، خدا ترس و متقی باشد.
اولین ویژگی در زمینه حکومت و مدیریت، پذیرش فرماندهی خداوند، بنده او بودن و خدا ترسی است. به طوری که فرد را به وحدت فرماندهی در قالب اصل حاکمیت خداوند و تبعیت از او فرا می خواند. در جای جای دستورات امام (ع) نام خدا و رضای او به وضوح دیده می شود که مدیر باید به دل، دست و زبان یاری گر دین خدا باشد.
حضرت می فرمایند: این دستوری از بنده خدا به مالک است و امر می کند او را به تقوای الهی.

در اینجا به افراد می گوید اگر در نظام الهی اسلام، مدیریتی را قبول می کنید و دارای مقام و مسئولیتی می شوید، در پیشگاه خداوند مسئول و پاسخگو خواهید بود و باید خدا ترس و با تقوا باشید و این مقام و ریاست شما را از خدمت به خلق غافل نکند.

۲) مدیر باید نفس خو را از شهوات و خواهشهای نفسانی تزکیه کند.
امام، انصاف را نه تنها مبنای رفتار مدیران، با مردم بلکه اصل مبنای رفتار او را با خداوند می داند و به مالک می فرماید: با خدا به انصاف رفتار کن (او امر او را به کار گیر و از نواهی او پرهیز)، از جانب خود و نزدیکان خود درباره مردم انصاف را از دست مده.
همچنین فرموده اند: ... امر می کند او را به تقوای الهی و برگزیدن فرمان او و پیروی از آنچه که در کتابش امر فرموده اند.

۳) در برخورد با مردم تغافل و چشم پوشی بزرگوارانه داشته باشد.

انسانها به دلایل مختلف در معرض خطا و اشتباه قرار دارند و خود امام(ع) در برخورد با مردم گذشت داشت و در مقابل بعضی از اشتباهات و خطاهای آنان خود را به تغافل می‌زد و به مالک نیز بیان نموده‌اند: مردم از پیش گرفتار لغزش و خطا بوده و به سببهای بدکاری به آنها روی آورده است، به عمد یا به سهو دچار لغزش می‌شوند. پس اگر پیش آمدی آنها را به سهو به بدکاری واداشت نباید به ایشان بخشش و عفو روا نداشت (تغافل) با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن، همان‌طور که دوست داری خدا با بخشش و گذشت تو را بیامرزد.

۴) مدیر باید مهربان و خوش رفتار باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم مدیریتی، مردم‌داری و مهربانی با مردم است، زیرا کلیه ساختار و نظم اداره یا سازمان و به طور کلی تشکیلات ایجاد شده جهت رفاه مردم بوجود آمده است و مدیر مدبر، با ایمان، خداپرست بایستی با مردم مهربانی و مدارا کند و در برخورد با مردم و کارکنان از اصول و قوانین اسلامی استفاده نماید. امام(ع) در این مورد فرموده‌اند: و مهربانی و خوش رفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده، مبادا با آنان چون جانور درنده باشی و خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا که مردم دو دسته‌اند یا مسلمانند و برادر دینی تو و یا انسانند و در خلقت همانند تو. این اصل توصیه می‌کند مدیر، مردم‌دار و مهربان باشد و نه تنها با مسلمین، بلکه با غیر مسلمان نیز بایستی برخورد شایسته داشت.

همچنین فرموده‌اند: دل‌های مردم گریزان است. بسوی کسی روی آورند که خوش‌رویی کند.

(۵) مدیر باید منافع عموم را بر منافع فردی خواص ترجیح دهد. بدین صورت که نباید منافع عمومی و مصالح سازمانی را به خاطر فردی فدا نمود. امام (ع) در این باره می‌فرمایند: کاری که باید بیش از هر چیزی دوست داشته باشی میانه روی در حق، همگانی کردن آن و دادگری است که بیشتر موجب خشنودی رعیت می‌گردد زیرا خشم همگانی، رضا و خشنودی چند تن را پایمال می‌سازد و خشم چند تن در برابر خشنودی همگان اهمیّت ندارد.

(۶) مدیر باید بین نیکوکار، و بدکار تفاوت گذاشته با راستگویان همنشین باشد. مدیران باید بین نیکوکار و بدکار تفاوت گذاشته و آن را با کردار خود اثبات نمایند امام (ع) می‌فرمایند: نباید نیکوکار و بدکار نزد تو به یک پایه باشند که این امر نیکوکار را از نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران را به بدی وا می‌دارد و هر یک از ایشان را به آنچه که گزیده است جزا بده.

(۷) مدیر باید پندپذیر، راست‌گفتار، درست‌کردار و بردبار بوده و در مقابل زورگویان سختگیر باشد.

امام علی (ع) تاکید دارند: برای انجام کارها از نیروهایت کسانی را بگمار که برای خدا و رسول پند پذیرند و پاکدل‌تر، خردمندتر، بردبارتر، مهربان‌تر و در مقابل زورگویان سختگیر باشند.

همچنین در جای دیگر فرمودند: اگر بردبار نیستی خود را بردبار جلوه بده، زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و بعد از مدتی یکی از آنان نشود.

۸) مدیر باید بر کار کارگزاران نظارت دقیق داشته باشد و برای بازرسی افراد صالح بگمارد.

تأکید بسیاری است که مدیران بر کارکنان نظارت داشته و ارزیابی مستمری از آنها بنمایند و برای بازرسی افراد صالح بگمارند. امام (ع) نیز میفرماید: پس در کارهایشان (عمال و کارگزاران) کاوش و رسیدگی کن و بازرس‌های راستکار و وفادار بر آنان بگمار.

۹) مدیر باید در گزینش و بکارگماری کارگزاران بر اساس تجربه و آزمون عمل نماید.

یکی از مهمترین مسائل فعلی مدیریت در جهان امروز و بخصوص در کشور ما نحوه انتخاب افراد توسط مدیران ارشد است، آنان با عزل و نصب مدیران و زیردستان خود بر مبنای اعمال سلیقه و عدم تبعیت از ملاکهای منطقی باعث شده‌اند افراد ناکارآمد در مشاغل حساس قرار بگیرند.

امام (ع) به مالک می‌فرماید: پس در حال نویسنده گانت (کارگزارانت) بنگر و بهترین ایشان را به کارهایت بگمار. چون آنان (کارگزاران) را تجربه و آزمایش نمودی به کار گمار.

امام با این بیان تأکید می‌کنند باید برای انتخاب مدیر ملاکها و معیارهای مناسب، تعریف تا گزینش و انتخاب افراد شایسته‌تر بهتر صورت گیرد.

۱۰) مدیر باید بر اساس انصاف و میانه روی عمل نماید.

انصاف را می توان به رفتار مناسب با زیر دستان بر مبنای قوانین و مقررات، از روی حق و عدل معنی کرد.

امام (ع) می فرمایند: از جانب خود و نزدیکان خود در باره مردم انصاف را از دست مده. و نیز می فرمایند: پس رنج کار هر یک از آنان را برای خودش بدان و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و باید در پاداش دهی به او هنگامیکه کارش تمام می شود کوتاهی ننمایی و بزرگی کسی تو را بر آن ندارد که رنج و کار کوچک کسی را بزرگ شماری و پستی کسی تو را و ندارد که رنج و کار بزرگش را کوچک شماری.

۱۱) مدیر باید برنامه ریزی و تقسیم کار داشته باشد.

از دیگر امور مربوط به یک مدیر مدبر و لایق جهت انجام ساده تر و بهتر کارها، تقسیم کار است. مدیر باید برنامه ریزی داشته باشد. امام (ع) در این مورد می فرمایند: برای هر کاری از کارهای رئیس و کارگردانی قرار بده که بزرگی کارها او را مغلوب و ناتوان نسازد و هر گاه در آنان عیبی باشد و تو از آن غافل باشی تو را به آن بدی می گزینند. (یعنی تو باید پاسخگو باشی).

۱۲) مدیر باید عادل و میانه رو بوده و بر اساس حق قضاوت کند.

از ویژگیهای دیگر مدیریت پیروی از حق و عدالت ورزی است و این مورد از امور مشهود در دوران خلافت امام (ع) است. ایشان چنان در امور حق و عدل، قاطعانه برخورد نموده اند که زبانزد عام و خاص می باشند و به مالک بیان نمودند: فرقی بین آشنا، فامیل، دوست و سفارش شده قرار نداده و بین مسلمان و غیر مسلمان تبعیض قائل نشو، به-

طوری که همه افراد از مواهب حکومت عدل برخوردار باشند؛ در فرمان خود می‌فرمایند: حق را برای آنکه شایسته است از نزدیک یا دور (خویش و بیگانه) اجرا کن و یا در جای دیگر می‌فرمایند: و نیکوترین چیزی که حاکمان را خشنود می‌سازد برپا داشتن عدل و دادگری در شهرها و آشکار ساختن دوستی رعیت است. مدیر باید وفای به عهد داشته باشد.

۱۳) مدیران باید حقوق و پاداش عادلانه پرداخت نمایند.

زمانی می‌توان از یک فرد متخصص، لایق و متعهد کار مناسب خواست که حقوق و پاداش او نیازهای زندگی او را مرتفع و رضایت شغلی او را فراهم کند. در غیر این صورت نمی‌توان رشدی در کار و پیشبرد آن را در نظر گرفت. در دنیای مدیریت امروز پرداخت حقوق و پاداش مناسب به کارکنان حرف اول را می‌زند. امام (ع) در این باره می‌فرمایند: پس جیره و خوار و بارشان را فراوان ده که این کار آنان (کارگزاران) را به اصلاح خودشان توانا کرده و بی‌نیاز گرداند و آنقدر به قاضی بده و زندگی او را فراخ ساز که عذر او از بین برود و نیازش به مردم با آن بخشش (حقوق مکفی) کم باشد.

مدیریت او را از دستبرد و سوءاستفاده بدخواهان و نااهلان محفوظ نگه می‌دارد و موانع را از سر راه مدیریت برطرف می‌سازد. (گنجینه - مهر ۱۳۸۴)

در مدیریت اسلامی، بیشترین اهمیت به ارتباط با خدا داده می‌شود و با ارزش‌ترین افراد با تقواترین آن‌ها شمرده می‌شوند.

مدیران اسلامی در سایه ارتباط با خداست که می‌توانند موجب رشد و کمال خود و جامعه شوند و زمینه حلّ معضلات اجتماعی را نیز فراهم نمایند.

خلاصه اینکه مدیران، منطبق با آموزه‌های اسلامی می‌توانند جامعه اسلامی را با اجرا و تحقق دستورات بیان شده به‌سوی هدف والای خود سوق دهند.

فهرست منابع:

۱. افجه‌ای، علی اکبر. مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۲. توکلی محمدی، محمود رضا و رحمان نیکنام. بررسی ویژگیهای مدیریت در اسلام و مکاتب غربی، تهران، ۱۳۹۰.
۳. ثابت نیا، آمنه. مدیریت اسلامی، ۱۳۸۹.
۴. رهبر، تقی. سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، ۱۳۶۶، تبلیغات اسلامی
۵. رضائیان، علی. اصول مدیریت، سمت، ۱۳۷۸.
۶. رهبری، عباس. مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، ۱۳۹۰.
۷. سید رضی. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام فقیه، نامه ۵۳، نوبت چهارم، ۱۳۷۸.
۸. صحیفه نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. گنجینه مهر. شماره ۵۴، ۱۳۸۴.